

موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی

محمد امیری اردکانی - کارشناس ارشد ترویج کشاورزی

چکیده

آموزش زنان روستایی، تأثیرات مهمی بر جنبه‌های مختلف بر جای خواهد گذاشت و باعث افزایش رفاه اقتصادی یک کشور، بهبود تولید سرانه ناخالص ملی، مشارکت نیروی کار زنان، بهبود وضعیت بهداشت، کاهش میزان مرگ و میر اطفال و بهبود آموزش فرزندان آنها می‌شود. با توجه به برنامه‌ریزی گسترده‌ای که در دهه اخیر در رابطه با آموزش زنان روستایی انجام شده، چشم‌انداز روشنی برای آموزش زنان روستایی وجود دارد؛ ولی هنوز نواقص و نابرابری‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد. هر چند توجه به ترویج و آموزش زنان روستایی، نسبت به گذشته افزایش یافته؛ ولی متأسفانه در برخی کشورها در مقایسه با سهم و نقشی که زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی و دامداری دارند، خدمات آموزشی و ترویجی، بسیار ناچیزی دریافت می‌کنند. یکی دیگر از مشکلات آموزش و برنامه‌های ترویجی زنان، مخاطبان این برنامه‌هاست که به طور کامل در آنها مشارکت نمی‌کنند. بنابراین، بررسی موانع عدم مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی از اهمیت زیادی برخوردار است. تکنیک به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، روش تحقیق پیمایشی (Survey research) می‌باشد. پیمایش عبارتست از جمع‌آوری اطلاعات با طرح و نقشه که به عنوان راهنمای عملی توصیف، پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها صورت می‌پذیرد. جمعیت مورد مطالعه شامل کلیه مروجان کشاورزی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم در زمینه آموزش زنان روستایی (بویژه در زمینه کشاورزی) فعالیت‌های آموزشی داشته و در آن زمینه تجربه دارند. تمام اعضای جامعه

مورد پژوهش به عنوان اعضای جمعیت نمونه انتخاب شده‌اند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر، پرسشنامه بوده است. به منظور اطمینان از روایی صوری (Face validity) ابزار سنجش در پژوهش حاضر (پرسشنامه) از روش نظر سنجی اساتید صاحب‌نظر استفاده شد. همچنین برای سنجش میزان پایایی (Reliability) قسمتی از پرسشنامه که موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی را مشخص می‌کرد، یک مطالعه راهنما (Pilot study) انجام شد. به منظور سنجش میزان پایایی قسمت مذکور از آزمون کرباخ آلفا (Cronbach Alpha) استفاده گردید که پارامتر آلفا (α) برای بخش مذکور برابر با (۰/۷۵) بود. داده‌پردازی و محاسبات این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری spss انجام شده است. روش‌ها و تکنیک‌های آماری به کار گرفته شده در این پژوهش عبارت‌اند از: آزمون کرباخ آلفا (Cronbach Alpha)، آزمون (T-test) و تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) در بخش آمار توصیفی نیز از آمارهای میانگین، درصد و جداول فراوانی استفاده گردیده است. نتایج پژوهش نشان داد که مهمترین موانع مشارکت زنان روستایی، موانعی هستند که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد که می‌توان به اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تعداد زیاد فرزندان خانواده، بی‌سوادی و یا کم‌سوادی زنان، تمسخر و ایراد اهالی روستا از زنان مشارکت‌کننده و سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی منطقه از اهمیت مشارکت آنها در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی اشاره کرد.

بنابر یافته‌های اخیر توصیه می‌شود که نهاد ترویج با همکاری دیگر نهادهای فرهنگی در جهت ارتقای فرهنگی زنان روستایی استان و مرتفع ساختن موانع مشارکت آنان تلاش بیشتری به عمل آورد. همچنین با توجه به تفاوت موانع مشارکت زنان روستایی در مناطق مختلف، توصیه می‌گردد که موانع مذکور به تفکیک مناطق مختلف کشور مورد پیمایش قرار گرفته و راهکارهای لازم برای مرتفع ساختن آنها اتخاذ گردد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت، زنان روستایی، برنامه‌ریزی ترویجی، آموزش، موانع فرهنگی

مقدمه

بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۲۵ میلادی، ۷۲ درصد از جمعیت بالای ۶۰ سال در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. البته نیمی از این جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند که بخش عمده‌ای از آنان در بخش‌های کشاورزی و دامداری فعالیت دارند. با توجه به آمار و سرشماری رسمی در کشور در حدود ۸ میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی فعالیت دارند (روزی طلب، ۱۳۷۶). از آنجا که زنان، بخش عظیمی از افراد جامعه روستایی و کشاورزی کشور را تشکیل می‌دهند؛ لذا آموزش و ترویج این قشر از روستاییان به همان نسبت از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

آموزش زنان روستایی، تأثیرات مهمی بر سایر جنبه‌های توسعه اجتماعی برجای می‌گذارد. به عنوان نمونه، آموزش زنان روستایی بر رفاه اقتصادی کشور، بهبود تولید سرانه ناخالص ملی، مشارکت نیروی

کار زنان و تولیدات خانگی تاثیر بسزایی دارد. ارتقاء سطح آموزش زنان و دختران در وضعیت بهداشت و میزان مرگ و میر کودکان، نقش و تاثیر فراوانی دارد. آموزش زنان به مشارکت بیشتر آنان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی منجر می‌شود. آموزش به زنان توانمندی می‌بخشد تا از حقوق خود به عنوان یک فرد یا شهروند جامعه روستایی و شهری آگاهی یابند و ارزش اجتماعی خود را در برابر افراد اجتماع پیدا کنند. آموزش و ترویج، دانش، بینش و مهارت‌های لازم را برای زنان فراهم می‌سازد تا بتوانند در توسعه کشور، بویژه در زمینه‌های بهداشت، تغذیه، محیط زیست، بهداشت آب و محیط منزل مشارکت داشته و از نتایج این مشارکت بهره‌گیرند. همچنین، آموزش مادران، تاثیر بسزایی در آموزش فرزندان آنها دارد. علاوه بر این، علل و انگیزه‌های دیگری برای آموزش و پرورش زنان روستایی وجود دارد. شهبازی (۱۳۷۲)، علل و انگیزه‌های اصلی برای آموزش زنان روستایی را در قالب موارد شش‌گانه زیر تبیین کرده است. ایشان عقیده دارند که زنان روستایی:

- ۱- مادران جامعه بزرگ هستند.
- ۲- عوامل موثر در نظام اقتصادی جامعه هستند.
- ۳- همواره در مقام تصمیم‌گیری هستند.
- ۴- مدیران داخلی خانواده‌های خویش هستند.
- ۵- اعضای موثر جامعه برای مشارکت در توسعه و عمران روستایی هستند.
- ۶- مستحق آموزش و پرورش هستند.

همه موارد فوق، اهمیت و نقش ترویج و آموزش زنان روستایی را مورد تاکید قرار می‌دهد. با توجه به اهمیت زیادی که برای آموزش و ترویج زنان وجود دارد؛ ولی تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، حضور و عقاید زنان، تاثیر اندکی بر خط مشی سازمان‌های آموزشی و ترویجی داشته است. سال ۱۹۷۵ میلادی از سوی سازمان ملل متحد "سال بین‌المللی زنان" اعلام شد و این امر موجب گردید که برنامه ریزان و مدیران و مربیان آموزش بزرگسالان، نیازهای آموزشی زنان را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. همچنین، اعلام سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ میلادی به عنوان "دهه زنان" از سوی سازمان ملل متحد، موجب پیشبرد مطالعات آماری در مورد موقعیت جهانی زنان شد (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲). آموزش و ترویج زنان به ویژه زنان روستایی تا حدی اهمیت پیدا کرده که امروزه یکی از اصول جهانی ترویج، آن است که باید برنامه‌های ترویجی به طور مساوی در خدمت زنان و مردان قرار گیرد (Noman, No date).

امروزه در کشورهای در حال توسعه، برنامه‌های آموزشی بزرگسالان زن در طیف گسترده‌ای صورت می‌گیرد که سه مقوله اصلی این آموزش‌ها عبارت‌اند از:

الف) آموزش بهداشت خانواده مانند سلامتی، رعایت اصول بهداشتی، مراقبت از کودکان، مسائل مربوط به زایمان و تنظیم خانواده

ب) برنامه‌های سوادآموزی

ج) برنامه‌های ترویج کشاورزی (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲)

با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای که در دهه اخیر در رابطه با آموزش زنان روستایی انجام

شده، چشم انداز روشنی برای آموزش زنان روستایی وجود دارد؛ ولی هنوز نواقص و نابرابری های نسبتاً غیر متعارفی در آموزش کشاورزان مرد مشاهده می شود. منفرد (۱۳۷۴) به نقل از دی (Day) بیان می دارد که با توجه به نقش موثر زنان در تولید مواد غذایی و غذای خانواده، موسسات دولتی و بین المللی باید سیاست هایی اتخاذ کنند که علاوه بر توجه به نقش زنان در تولید محصولات زراعی، دسترسی آنان را به منابع و اعتبار، فن آوری، نهاده ها، بازاریابی، آموزش و ترویج افزایش دهد و همچنین از پژوهش در رابطه با مشارکت زنان در توسعه روستایی حمایت شود. اگرچه توجه به ترویج و آموزش زنان روستایی نسبت به گذشته افزایش یافته؛ ولی متأسفانه این گونه خدمات در برخی از کشورها در مقایسه با سهم و نقش زنان روستایی در فعالیت های بخش کشاورزی و دامداری بسیار ناچیز است.

چالش های آموزش زنان روستایی

به عنوان نمونه به طور متوسط ۲۰ تا ۲۵ درصد از خانواده های روستایی جهان توسط زنان روستایی اداره می شوند. در برخی کشورها، مهاجرت مردان به شهرها و انجام مشاغل روزمزدی باعث شده که میزان این خانوارها به ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش یابد و در بعضی مناطق، درصد خانوارهایی که توسط زنان اداره می شوند به ۷۰ درصد یا بیشتر می رسد (جینکیز، ۱۳۷۲ الف). همچنین، زنان روستایی، بیش از ۳۰ درصد نیروی کار رسمی را تشکیل می دهند. ۶۰ تا ۸۹ درصد فعالیت های کشاورزی را انجام داده و حداقل ۵۰ درصد تولید مواد غذایی توسط زنان صورت می گیرد (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲).

منفرد (۱۳۷۴) نیز به نقل از هاشمی بیان می دارد که در قاره آفریقا در حدود ۷۵ درصد از نیروی کار کشاورزی به زنان تعلق دارد و در آمریکای لاتین و خاورمیانه، زنان به عنوان یک عضو خانوار و در هنگام مهاجرت برون مرزی مردان، به میزان قابل توجهی در فعالیتهای کشاورزی شرکت می کنند. در اروپای شرقی، نیمی از کار کشاورزان برعهده زنان می باشد. در برخی کشورهای صنعتی (مبتنی بر اقتصاد بازار) و کشورهای اسپانیا و ترکیه، زنان کشاورز به مدت ۷۰ ساعت در هفته دوشادوش مردان کار کرده و در طول هفته، ساعات بسیاری را نیز صرف خانه داری می کنند. همچنین، آمار نشان می دهد که زنان آفریقای، ۸۰ درصد از کل کار مزرعه، مدیریت یک سوم مزارع و حفاظت کامل از کودکان را به عهده دارند (Norman, No date). در مناطق نیمه صحرایی آفریقا، زنان عمده ترین نیروهای تامین غذا، پوشاک، مسکن و تعلیم و تربیت می باشند و یک سوم نیروی کار کشاورزی مدرن را تشکیل می دهند. زنان روستایی در حالی که در حدود ۷۰ الی ۸۰ درصد نیروی کار در بخش کشاورزی محسوب می شوند؛ بیش از ۲۰ درصد خانوارهای روستایی را نیز اداره می کنند (جینکیز، ۱۳۷۲ ب). در کشور برزیل، گروه زیادی از زنان روستایی، علاوه بر مسئولیت اصلی تغذیه و پرورش کودکان در کار ماهی گیری نیز با همسران خود همکاری و مشارکت دارند (اوکلی و مرسون، ۱۳۷۰ ب).

نقش زنان روستایی ایران در تولید محصولات زراعی و باغی در حدود ۲۲ درصد است که این میزان با احتساب فعالیت زنان در بخش دامداری به ۴۰ درصد می رسد. این در حالی است که در برخی مناطق کشور، زنان نقش گسترده تری در فعالیت های زراعی دارند. به عنوان نمونه، نتایج مطالعات موردی در

مناطق شمالی کشور نشان داده که ۷۵ درصد از زراعت برنج توسط زنان انجام می‌گیرد (روزی طلب، ۱۳۷۶).

با توجه به مشارکت گسترده زنان در فعالیت‌های کشاورزی، متأسفانه اولویت در آموزش‌های کشاورزی و برنامه‌های ترویجی به مردان داده می‌شود. اطلاعات فائو حاکی از آن است که در برخی کشورها با وجود انجام ۸۰ درصد از فعالیت‌های مربوط به تولیدات مواد غذایی توسط زنان، فقط بین ۲ تا ۸ درصد از خدمات ترویجی در اختیار آنان قرار می‌گیرد (سازمان جهانی خواربار کشاورزی، ۱۳۷۲). یکی دیگر از مشکلات و چالش‌های عمده در رابطه با برنامه‌های آموزشی، ترویجی زنان این است که اغلب برنامه‌های ارائه شده، اقتصاد خانواده و صنایع دستی را در بر می‌گیرد و توجه به برنامه‌های کشاورزی کمتر است. مثلاً بر اساس گزارش کمیسیون اقتصادی آفریقا (The economic commission of Africa) در صد آموزش بزرگسالان برای زنان آفریقایی در زمینه اقتصاد خانواده، ۵۰ درصد است در حالی که سهم آموزش کشاورزی آنان، ۱۵ درصد است. برنامه‌های آموزشی غیررسمی ارائه شده در حوزه خانه‌داری (مانند خیاطی، بافندگی و آشپزی) تأکید داشته است. البته این موضوع در مورد آموزش‌های ارائه شده به زنان آسیایی نیز صادق است (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲).

یکی دیگر از چالش‌های عمده برنامه‌های آموزش و ترویج، عدم مشارکت کافی مخاطبان در این برنامه‌ها می‌باشد. در این بخش، موانع عمده عدم مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های آموزشی و ترویجی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

پیشینه نگاشته‌ها

در کتب و مقالات موجود در حوزه مسائل و مشکلات مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی، دلایل مختلفی بیان شده که مهمترین آنها عبارت‌اند از:

۱- یکی از موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی، اختصاص و گرایش حجم بسیاری از برنامه‌های آموزشی ترویجی به مردان از سوی نهادهای ترویج می‌باشد که در این خصوص برای مشارکت زنان، اهمیت چندانی قائل نیستند. منفرد (۱۳۷۴) به نقل از اشبی (Ashby) بیان می‌دارد که خدمات ترویج کشاورزی به سوی مردان گرایش داده شده است، در حالی که مدیریت و اداره بیشتر مزارع دهقانی و معیشتی (خانوادگی) به زنان تعلق دارد. بنابراین، زنان روستایی باید هم‌مطراز با مردان مورد آموزش قرار گیرند. با توجه به نقش و کارکردهای خاص زنان در فعالیت‌های کشاورزی می‌بایست برای آنان، آموزش‌های ویژه‌ای در نظر گرفته شود و هرگونه کوتاهی در این خصوص موجب تاخیر فرآیند توسعه بخش کشاورزی می‌گردد.

برنامه‌ریزی و سیاست‌های مراکز ترویج باعث شده تا مردان، بیشتر خدمات ترویجی را به مردان ارائه دهند. یکی از ادعاهای مردان در این رابطه، آن است که ترویج می‌تواند با آموزش مردان، اطلاعات آموزشی - ترویجی را به زنان خانوار کشاورز منتقل کند. در حالی که نتایج مطالعات، ادعای فوق‌الذکر را مردود می‌داند. سایتو و اسپارلینگ (Saito and Spuring) در مطالعه‌ای در کشور بورکینافاسو مشخص

ساخته اند که تنها ۴۰ درصد زنان خانوارهای کشاورزی از تکنولوژی و فن آوری های مدرن زراعی و تولیدات دامی آگاهی داشته اند که اکثر آنها، آگاهی خود را از طریق خویشاوندان و همسایگان به دست آورده بودند. همچنین، بررسی ها نشان می دهد که یک سوم از این ۴۰ درصد، اطلاعات خود را از مروجان دریافت کرده اند و تنها یک درصد، اطلاعات خود را از همسران خود کسب کرده اند (منفرد، ۱۳۷۴).

۲- تفاوت جنسیت و مرد بودن آموزشگران بر گزار کننده کلاس، یکی دیگر از موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه های ترویجی می باشد. به عبارت دیگر در اغلب مناطق روستایی، حضور آموزشگران مرد باعث می شود تا نگرانی والدین و همسران مرد در مورد مسائل اخلاقی و امنیتی دختران و زنان افزایش یافته و این امر، شرکت آنها را در کلاس های ترویجی کاهش می دهد. بنابراین به کارگیری آموزشگران زن در مرتفع ساختن این مشکل، بسیار موثر خواهد بود؛ چرا که آموزشگران زن می توانند به عنوان یک الگو برای زنان و دختران جامعه روستایی عمل نموده و تاثیر مثبتی در حفظ و تداوم مشارکت آنها داشته باشند. متأسفانه، محدودیت تعداد کارشناسان ترویجی زن در وزارت جهاد کشاورزی، یکی از مشکلات عمده ای است که مانع از بهره گیری موثر از آنها در امر آموزش زنان روستایی شده است. چنانچه آمار نشان می دهد در مقابل ۸ میلیون زن روستایی ۱۰ سال به بالا که در بخش کشاورزی ایران شاغل هستند، تنها ۱۷۰ کارشناس ترویجی زن در بخش کشاورزی فعالیت دارند (روزی طلب، ۱۳۷۶).

۳- به اعتقاد برخی صاحب نظران، بی سواد و کم سواد بودن زنان روستایی، یکی دیگر از عوامل عدم مشارکت آنها در برنامه های ترویجی است. در سال ۱۹۷۰ میلادی برآورد شده که ۳۲/۵ درصد از کل تعداد افراد ۲۰ ساله و بالاتر بی سوادند که ۴۶/۶ درصد از این عده زن بوده اند. همچنین آمارها حاکی از آن است که ۹۲/۱ درصد جمعیت زنانی که سن مناسب فراگیری داشته اند، تنها تحصیلات مقدماتی را گذرانده اند. در سال ۱۹۹۰ میلادی در حدود ۹۴۸ میلیون نفر بزرگسال جمعیت جهان (یک چهارم این آمار) را بی سوادان تشکیل می دادند که اکثریت آنها، زنان و دختران می باشند و در حدود دو سوم بزرگسالان بی سواد، زن هستند (یونیسف، ۱۳۷۱). همچنین تا اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی، ۲/۲ میلیون بزرگسال عراقی بین ۱۵ تا ۲۴ سال، خواندن و نوشتن را نمی دانسته اند و ۷۰ درصد از این عده، زن بوده اند (گروه نویسندگان، ۱۳۷۲). در کشور ایران نیز مشکلات فرهنگی و تا حدود زیادی بی سواد، مانع بهره گیری دختران و زنان از خدمات آموزش و پرورش در مقایسه با پسران و مردان گردیده است.

۴- عدم تناسب محتوای برنامه ها و کلاس های ترویجی با نیاز زنان روستایی در عدم یا ضعف مشارکت آنها در این برنامه ها موثر است. بر همین اساس برای مقابله با این معضل می توان دو هدف را دنبال کرد که عبارت اند از:

- الف) ایجاد دانش و آگاهی در خصوص روابط و نابرابریهای موجود بر اساس جنسیت.
ب) بکارگیری آگاهی و دانش به منظور ایجاد تغییر، مساوات و برابری

روش پژوهش

تکنیک به کار گرفته شده در پژوهش حاضر، روش تحقیق پیمایشی (Survey research) می‌باشد. "پیمایش" عبارتست از جمع‌آوری اطلاعات با طرح و نقشه به عنوان راهنمای عملی توصیف، پیش‌بینی و یا تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرها.

جمعیت مورد مطالعه شامل کلیه مروجان کشاورزی و آموزش‌یاران نهضت سوادآموزی استان کهگیلویه و بویراحمد می‌باشد (۱۳۱ نفر) که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در زمینه آموزش زنان روستایی (بویژه در زمینه کشاورزی) فعالیت‌های آموزشی داشته و دارای تجربه بوده‌اند. به طور کلی، تعداد ۲۲ نفر (۱۶/۸ درصد) از جمعیت مورد مطالعه را مروجان کشاورزی و ۱۰۹ نفر (۸۳/۲ درصد) باقیمانده را آموزش‌یاران نهضت سوادآموزی تشکیل می‌دادند. ۱۰۴ نفر (۷۹/۴ درصد) از جمعیت مورد مطالعه را زنان و ۲۷ نفر (۲۰/۶ درصد) را مردان تشکیل می‌دادند. تمام اعضای جامعه مورد پژوهش به عنوان اعضای جمعیت نمونه انتخاب شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پژوهش حاضر، پرسشنامه بوده است. سوالات پرسشنامه با توجه به اهداف پژوهش در قالب سوالات بسته طراحی شده و ضمن تماس حضوری با اعضای جمعیت نمونه، پرسشنامه‌ها توسط خود اعضای نمونه تکمیل شدند.

به منظور اطمینان از روایی صوری (Face validity) ابزار سنجش پژوهش حاضر (پرسشنامه) از روش نظر سنجی اساتید صاحب‌نظر استفاده شد. همچنین به منظور سنجش میزان پایایی (Reliability) قسمتی از پرسشنامه که موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی را مشخص می‌کرد، یک مطالعه راهنما (Pilot study) انجام شد. لازم به ذکر است که برای سنجش میزان پایایی قسمت مذکور از آزمون کراباخ آلفا (Cronbach Alpha) استفاده گردید که پارامتر آلفا (α) برای بخش مذکور برابر با ۰/۷۵ بود.

داده‌پردازی و محاسبات این پژوهش با استفاده از نرم افزار کامپیوتری (pc-spss) انجام شده است. روش و تکنیک‌های آماری به کار گرفته شده در این پژوهش عبارت‌اند از: آزمون کراباخ آلفا (Cronbach Alpha)، آزمون (T-test) و تحلیل واریانس یکطرفه (Oneway analysis of variance). در بخش آمار توصیفی نیز از آمارهای میانگین، درصدها و جداول فراوانی استفاده گردیده است.

نتایج و بحث

در پژوهش حاضر، برخی از عوامل که مانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی می‌باشند، براساس نظرات پاسخگویان به ترتیب اهمیت (براساس میانگین پاسخ پاسخگویان) در جدول شماره (۱) مرتب شده‌اند. بر این اساس، اشتغال زنان روستایی به کارهای سخت منزل یا کشاورزی و دامداری، مهمترین عاملی است که مانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی می‌گردد. نکته حائز اهمیت در جدول شماره (۱)، آن است که جدی‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی، موانعی هستند که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد که می‌توان به اشتغال زنان به فعالیتهای

سخت، تعداد زیاد فرزندان خانواده، بی سوادى و یا کم سوادى زنان، تمسخر و ایراد اهالى روستا از زنان مشارکت کننده و پایین بودن سطح دانش و بینش زنان روستایى منطقه از اهمیت مشارکت آنها در کلاس ها و برنامه های ترویجی اشاره کرد.

مقایسه دیدگاه مروجان کشاورزی و آموزشیاران نهضت سوادآموزی در خصوص موانع مشارکت زنان روستایى در کلاس ها و برنامه های ترویجی (جدول شماره ۲) نشان می دهد که اختلاف معنادارى بین نظرات آنها وجود ندارد. تنها اختلاف معنادار بین نظرات در گروه نامبرده به تفاوت جنسیت و مرد بودن آموزشگران برگزارکننده کلاس برمی گردد. به عبارت دیگر، مروجان کشاورزی، مرد بودن آموزشگران کلاس های ترویجی را بیشتر از آموزشیاران نهضت سوادآموزی در عدم مشارکت زنان روستایى دخیل دانسته اند.

با توجه به اینکه جنسیت نیز می تواند بر نظرات پاسخگویان تاثیر گذارده باشد، دیدگاه پاسخگویان زن و مرد در خصوص موانع مشارکت زنان روستایى مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله در جدول شماره (۳) نشان داده شده است. با مشاهده ردیف ۱۴ جدول شماره ۳، پاسخگویان مرد در مقایسه با پاسخگویان زن، تفاوت جنسیت و مرد بودن آموزشگران را در عدم مشارکت زنان روستایى، مهم و موثر دانسته اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۱- موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی از نظر پاسخگویان

میانگین پاسخ از ۵	درصد پاسخ‌ها					موانع	
	بدون پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۳/۶۳	۴/۶	۲۴/۴	۳۳/۶	۲۰/۶	۱۱/۵	۵/۳	۱- اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت منزل یا کشاورزی و دامداری
۳/۵۸	۳/۸	۲۴/۴	۳۸/۲	۱۱/۵	۱۳	۹/۲	۲- تعداد زیاد فرزندان خانواده
۳/۴۸	۵/۳	۲۴/۴	۲۱/۴	۲۵/۲	۱۴/۵	۲۲/۹	۳- بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان روستایی
۳/۲۱	۵/۳	۳۰/۵	۱۸/۳	۹/۲	۱۳/۷	۲۲/۹	۴- تمسخر و ایراد اهالی از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۳/۱۶	۳/۱	۱۸/۳	۲۸/۲	۱۸/۳	۱۴/۵	۱۷/۶	۵- سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی از اهمیت مشارکت آنها در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۹۴	۴/۶	۱۶/۰	۲۲/۱	۱۹/۱	۱۶	۲۲/۱	۶- دور افتادگی و فاصله محل سکونت زنان روستایی با محل برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۹	۵/۳	۱۹/۸	۱۶/۸	۱۸/۳	۱۳/۷	۲۶/۰	۷- ممانعت مردان از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌ها
۲/۹	۳/۱	۹/۹	۲۶/۷	۲۲/۹	۱۸/۳	۱۹/۱	۸- عدم اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی برای مشارکت در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۸۶	۷/۶	۱۶/۸	۲۱/۴	۱۱/۵	۱۷/۶	۲۵/۲	۹- عدم اهمیت نهاد ترویج به مشارکت زنان روستایی
۲/۸۲	۴/۶	۱۳/۷	۱۶/۸	۲۲/۹	۲۲/۹	۱۹/۱	۱۰- ازدواج و زایمان زودهنگام
۲/۷	۹/۹	۱۲/۲	۱۴/۵	۱۶	۲۹/۰	۱۸/۳	۱۱- کیفیت پایین کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی که قبلاً برگزار شده
۲/۶۵	۶/۱	۹/۹	۲۱/۴	۱۲/۲	۲۶/۷	۲۳/۷	۱۲- نامنظم بودن و پراکندگی کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۶۳	۴/۶	۶/۹	۱۳/۰	۲۵/۲	۲۶/۷	۲۰/۶	۱۳- اختصاص حجم بیشتر کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی به آموزش مردان و پسران
۲/۵	۴/۶	۷/۶	۱۳/۷	۱۸/۳	۳۴/۴	۲۱/۴	۱۴- مرد بودن آموزشگران برگزارکننده کلاس‌ها و برنامه‌ها

* میانگین پاسخ‌ها براساس کدگذاری زیر به دست آمده :

خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵

جدول شماره ۲- موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی از نظر مروجان کشاورزی (۲۲) نفر و آموزشیاران نهضت سوادآموزی (۱۰۹) نفر.

SD SD (P)	میانگین پاسخ از ۵	درصد پاسخ‌ها						موانع	
		بدون پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۱/۰۲ ۱/۱۸ (۰/۱۸)	۳/۶۶ ۳/۶۲	۴/۵ ۴/۶	۱۳/۶ ۲۶/۶	۵۴/۵ ۲۹/۴	۱۳/۶ ۲۲/۰	۹/۱ ۱۱/۹	۴/۵ ۵/۵	A B	۱- اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت منزل یا کشاورزی و دامداری
۱/۰۵ ۱/۳۰ (۰/۳۹)	۳/۸۰ ۳/۵۷	۹/۱ ۲/۸	۲۲/۷ ۲۴/۸	۴۰/۹ ۳۷/۶	۱۸/۲ ۱۰/۱	۴/۵ ۱۴/۷	۴/۵ ۱۰/۱	A B	۲- تعداد زیاد فرزندان خانواده
۱/۲۴ ۱/۳۰ (۰/۴۲)	۳/۳۸ ۳/۴۰	۴/۵ ۵/۵	۱۸/۲ ۲۵/۲	۳۱/۸ ۱۹/۳	۲۲/۷ ۲۵/۲	۱۳/۶ ۱۴/۷	۹/۱ ۹/۲	A B	۳- بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان روستایی
۱/۵۰ ۱/۶۲ (۰/۴۲)	۲/۹۵ ۳/۲۶	۴/۵ ۵/۵	۲۲/۷ ۳۲/۲	۱۳/۶ ۹/۳	۱۳/۶ ۸/۳	۲۷/۳ ۱۱/۰	۱۸/۲ ۲۳/۹	A B	۴- تمسخر و ایراد اهالی روستا از مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۰۶ ۱/۴۴ (۰/۵۲)	۱/۰۶ ۱/۴۴	۴/۵ ۲/۸	۹/۱ ۲۰/۲	۴۰/۹ ۲۵/۷	۲۲/۷ ۱۷/۴	۱۸/۲ ۱۳/۸	۴/۵ ۲۰/۲	A B	۵- سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی از اهمیت مشارکت آنها در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۴۷ ۱/۴۱ (۰/۳۷)	۳/۱۹ ۲/۸۸	۴/۵ ۴/۶	۱۸/۲ ۱۵/۶	۳۱/۸ ۲۰/۲	۱۸/۲ ۱۹/۳	۴/۵ ۱۸/۳	۲۲/۷ ۲۲/۰	A B	۶- دور افتادگی و فاصله محل سکونت زنان روستایی با محل برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۴۶ ۱/۵۲ (۰/۱۸۶)	۲/۸۵ ۲/۹۱	۹/۱ ۴/۶	۱۸/۲ ۲۰/۲	۱۳/۶ ۱۷/۴	۱۳/۶ ۱۹/۳	۲۷/۳ ۱۱/۰	۱۸/۲ ۲۷/۵	A B	۷- ممانعت مردان از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۰۲ ۱/۳۴ (۰/۱۸۳)	۲/۹۵ ۲/۸۸	۴/۵ ۲/۸	۴/۵ ۱۱/۰	۲۲/۷ ۲۷/۵	۴۰/۹ ۱۹/۳	۱۸/۲ ۱۸/۳	۹/۱ ۲۱/۱	A B	۸- عدم اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی برای شرکت در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی زنان
۱/۴۶ ۱/۵۶ (۰/۶۰)	۲/۷۰ ۲/۸۹	۹/۱ ۷/۳	۱۳/۶ ۱۷/۴	۱۳/۶ ۲۲/۹	۲۲/۷ ۹/۹	۱۳/۶ ۱۸/۳	۲۷/۳ ۲۴/۸	A B	۹- عدم اهمیت ترویج به مشارکت زنان

ادامه جدول شماره ۲ - موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی از نظر مروجان کشاورزی (۲۲) نفر و آموزشیاران نهضت سوادآموزی (۱۰۹) نفر.

SD SD (P)	میانگین پاسخ از ۵	درصد پاسخ‌ها					موانع	
		بدون پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم		
۱/۱۰ ۱/۳۸ (۰/۹۲)	۲/۸۵ ۲/۸۱	۹/۱ ۳/۷	۹/۱ ۱۴/۷	۱۳/۶ ۱۷/۴	۲۷/۳ ۲۲/۰	۲۶/۶ ۲۰/۲	۴/۵ ۲۲/۰	A B ۱۰- ازدواج و زایمان زود هنگام
۱/۳۲ ۱/۳۴ (۰/۶۸)	۳/۳۱ ۲/۶۸	۴/۵ ۱۱/۰	۱۳/۶ ۱۱/۹	۱۳/۶ ۱۴/۷	۲۷/۳ ۱۳/۸	۲۲/۷ ۳۰/۳	۱۸/۲ ۱۸/۳	A B ۱۱- کیفیت پایین کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی که قبلاً برگزار شده
۱/۲۰ ۱/۳۹ (۰/۴۵)	۲/۸۶ ۲/۶۱	۴/۵ ۶/۴	۴/۵ ۱۱/۰	۳۱/۸ ۱۹/۳	۱۸/۲ ۱۱/۰	۲۷/۳ ۲۶/۶	۱۳/۶ ۲۵/۷	A B ۱۲- نامنظم بودن و پراکندگی کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۲۰ ۱/۲۵ (۰/۱۰)	۳/۰۵ ۲/۵۵	۴/۵ ۴/۶	۹/۱ ۱۰/۱	۳۱/۸ ۹/۲	۱۸/۲ ۲۶/۶	۲۷/۳ ۲۶/۶	۹/۱ ۳۳/۹	A B ۱۳- اختصاص حجم بیشتر کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی به آموزش مردان و پسران
۱/۰۷ ۱/۱۴ (۰/۰۰۱)	۳/۴۷ ۲/۲۹	۴/۵ ۴/۶	۱۸/۲ ۵/۵	۲۷/۳ ۱۱/۰	۲۶/۴ ۱۴/۷	۹/۱ ۳۹/۴	۴/۵ ۲۴/۸	A B ۱۴- مرد بودن آموزشگر برگزارکننده کلاس‌ها و برنامه‌ها

* میانگین پاسخ‌ها براساس کدگذاری زیر به دست آمده:

خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵

* زنان پاسخگو = A، آموزشیاران نهضت سوادآموزی = B

* میانگین پاسخ مروجان کشاورزی (A) و آموزشیاران نهضت سوادآموزی (B) با استفاده از آزمون

تی‌استیوننت (T-test) مقایسه گردیده‌اند.

جدول شماره ۳- موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی از نظر زنان (۱۰۳) نفر و مردان (۲۷) نفر پاسخگو.

SD SD (P)	میانگین پاسخ از ۵	درصد پاسخ‌ها						موانع	
		بدون پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۱/۲۱ ۰/۹۸ (۰/۹۰)	۳/۶۰ ۳/۶۵	۲/۹ ۷/۳	۳۷/۲ ۱۴/۸	۲۹/۱ ۴۸/۱	۲۰/۴ ۲۲/۲	۱۲/۶ ۷/۴	۵/۸ ۳/۷	A B	۱- اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت منزل یا کشاورزی و دامداری
۱/۳۲ ۱/۰۵ (۰/۳۲)	۳/۵۳ ۳/۷۶	۲/۹ ۷/۴	۲۵/۲ ۲۲/۲	۳۶/۹ ۴۰/۷	۹/۷ ۱۸/۵	۱۴/۶ ۷/۴	۱۰/۷ ۳/۷	A B	۲- تعداد زیاد فرزندان خانواده
۱/۲۹ ۱/۲۷ (۰/۲۹)	۳/۵۳ ۳/۶۲	۵/۸ ۳/۷	۲۲/۳ ۲۹/۶	۲۰/۴ ۲۵/۹	۲۶/۲ ۲۲/۱	۱۵/۵ ۱۱/۱	۲/۷ ۷/۴	A B	۳- بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان روستایی
۱/۶۵ ۱/۴۷ (۰/۶۵)	۳/۲۳ ۳/۰۷	۵/۸ ۳/۷	۳۲/۰ ۲۵/۹	۱۹/۴ ۱۱/۱	۶/۸ ۱۸/۵	۱۰/۷ ۲۵/۹	۲۵/۲ ۱۴/۸	A B	۴- تمسخر و ایراد اهالی روستا از مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۶۵ ۱/۴۷ (۰/۶۵)	۳/۱۰ ۳/۳۵	۲/۹ ۳/۷	۲۰/۴ ۱۱/۱	۲۵/۲ ۳۷/۰	۱۶/۵ ۲۵/۹	۱۲/۶ ۱۸/۵	۲۱/۴ ۳/۷	A B	۵- سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی از اهمیت مشارکت آنها در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۴۳ ۱/۴۱ (۰/۳۸)	۲/۸۸ ۳/۱۵	۴/۹ ۷/۳	۱۶/۵ ۱۴/۸	۱۹/۴ ۳۳/۳	۱۷/۵ ۲۲/۲	۱۹/۴ ۲/۷	۲۲/۳ ۲۲/۲	A B	۶- دور افتادگی و فاصله محل سکونت زنان روستایی با محل برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۵۱ ۱/۴۹ (۰/۹۵)	۲/۸۹ ۲/۷۰	۲/۹ ۱۴/۸	۱۹/۴ ۱۸/۵	۱۸/۴ ۱۱/۱	۱۹/۴ ۱۴/۸	۱۱/۷ ۲۲/۲	۲۸/۲ ۱۸/۵	A B	۷- ممانعت مردان از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۳۳ ۱/۱۴ (۰/۹۹)	۲/۹۰ ۲/۸۹	۲/۹ ۳/۷	۱۰/۷ ۷/۴	۲۸/۲ ۱۸/۵	۱۸/۴ ۴۰/۷	۱۹/۴ ۱۴/۸	۲۰/۴ ۱۴/۸	A B	۸- عدم اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی برای شرکت در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی زنان
۱/۵۰ ۱/۵۰ (۰/۹۰)	۲/۸۷ ۲/۹۱	۵/۸ ۱۴/۸	۱۶/۵ ۱۸/۵	۲۴/۳ ۱۱/۱	۸/۷ ۲۲/۲	۱۹/۴ ۱۱/۱	۲۵/۲ ۲۲/۲	A B	۹- عدم اهمیت نهاد ترویج به مشارکت زنان

ادامه جدول شماره ۳ - موانع مشارکت زنان روستایی در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی از نظر زنان (۱۰۳) نفر و مردان (۲۷) نفر پاسخگو.

SD SD (P)	میانگین پاسخ از ۵	درصد پاسخ‌ها						موانع	
		بدون پاسخ	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم		
۱/۳۸ ۱/۱۱ (۰/۳۰)	۲/۷۷ ۳/۰۸	۳/۹ ۷/۴	۱۲/۶ ۱۴/۸	۱۸/۷ ۱۱/۱	۱۹/۴ ۳۷/۰	۲۱/۴ ۲۵/۹	۲۳/۳ ۳/۷	A B	۱۰- ازدواج و زایمان زودهنگام
۱/۳۲ ۱/۲۶ (۰/۹۰)	۲/۷۱ ۲/۷۵	۹/۷ ۱۱/۱	۱۲/۶ ۱۱/۱	۱۵/۵ ۱۱/۱	۱۳/۶ ۲۵/۹	۳۰/۱ ۲۵/۹	۱۸/۴ ۱۴/۸	A B	۱۱- کیفیت پایین کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی که قبلاً برگزار شده
۱/۳۷ ۱/۲۹ (۰/۳۸)	۲/۵۸ ۲/۸۵	۶/۸ ۳/۷	۱۰/۷ ۷/۴	۱۸/۴ ۳۹/۶	۱۰/۷ ۱۸/۵	۲۸/۲ ۲۲/۲	۲۵/۲ ۱۸/۵	A B	۱۲- نامنظم بودن و پراکندگی کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۱/۲۴ ۱/۲۶ (۰/۰۵)	۲/۵۲ ۳/۰۸	۳/۹ ۷/۴	۹/۷ ۱۱/۱	۸/۷ ۲۹/۶	۲۶/۲ ۱۸/۵	۲۸/۲ ۲۲/۲	۲۳/۳ ۱۱/۱	A B	۱۳- اختصاص حجم بیشتر کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی به آموزش مردان و پسران
۱/۱۲ ۱/۰۹ (۰/۰۱)	۳/۲۴ ۳/۳۴	۴/۹ ۳/۷	۴/۹ ۱۴/۸	۹/۷ ۲۹/۶	۱۵/۵ ۲۹/۶	۲۸/۸ ۱۸/۵	۲۶/۲ ۳/۷	A B	۱۴- مرد بودن آموزشگر برگزارکننده کلاس‌ها و برنامه‌ها

* میانگین پاسخ‌ها براساس کدگذاری زیر به دست آمده:

خیلی کم = ۱، کم = ۲، متوسط = ۳، زیاد = ۴ و خیلی زیاد = ۵

* زنان پاسخگو = A و مردان پاسخگو = B

* میانگین پاسخ زنان (A) و مردان (B) توسط آزمون تی استیودنت (T-test) مقایسه گردیده‌اند.

جدول شماره ۴ - موانع مشارکت زنان روستایی شهرستان‌های بویراحمد، کهگیلویه و گچساران در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی

شهرستان			موانع
گچساران	کهگیلویه	بویراحمد	
۳/۵۲a	۳/۶۸a	۳/۶۵a	۱- اشتغال زنان به فعالیتهای سخت منزل یا کشاورزی و دامداری
۳/۵۷a	۳/۷۲a	۳/۴۵a	۲- تعداد زیاد فرزندان خانواده
۳/۴۶a	۳/۷۲	۳/۰۴a	۳- بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان روستایی
۲/۱۶	۳/۹۸	۳/۱۴	۴- تمسخر و ایراد اهالی از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۵۷	۳/۴۰a	۳/۲۸a	۵- سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی از اهمیت مشارکت آنها در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۸۰a	۳/۷۴a	۲/۲۳a	۶- دورافتادگی و فاصله محل سکونت زنان روستایی با محل برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۴۳a	۳/۶۵	۲/۴۸a	۷- ممانعت مردان از مشارکت زنان در کلاس‌ها و برنامه‌ها
۲/۷۰a	۲/۹۸a	۲/۹۳a	۸- عدم اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری زنان روستایی برای مشارکت در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۷۶a	۲/۸۷a	۲/۸۹a	۹- عدم اهمیت نهاد ترویج به مشارکت زنان روستایی
۳/۰۴a	۲/۹۲a	۲/۵۵a	۱۰- ازدواج و زایمان زودهنگام
۲/۳۳	۰۴/۲۷	۲/۳۸	۱۱- کیفیت پایین کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی که قبلاً برگزار شده
۲/۷۲ab	۳/۰۶b	۲/۱۷a	۱۲- نامنظم بودن و پراکندگی کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی
۲/۶۷ab	۳/۱۱b	۲/۱۶a	۱۳- اختصاص حجم بیشتر کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی به آموزش مردان و پسران
۲/۸۰a	۲/۵۳a	۲/۲۷a	۱۴- مرد بودن آموزشگران برگزارکننده کلاس‌ها و برنامه‌ها

* میانگین پاسخ‌ها براساس آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (Oneway analysis of variance) مقایسه گردیده‌اند.

* در هر ردیف، میانگین پاسخ‌هایی که اختلاف معنی‌دار در سطح ۰/۵۰ ندارند با حروف مشابه لاتین نمایش داده شده‌اند.

شواهد و قرائن نشان می‌دهد که موانع مشارکت زنان در برنامه‌های ترویجی (حتی در مناطق مختلف یک استان) متفاوت است. بر همین اساس به منظور اطمینان از صحت این فرضیه، موانع مشارکت زنان روستایی در سه شهرستان بویراحمد، کهگیلویه و گچساران مورد مقایسه قرار گرفت.

جدول شماره (۴)، موانع مشارکت زنان روستایی شهرستان‌های مذکور را در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی نشان می‌دهد. نکات عمده آن جدول عبارت‌اند از:

۱- یکی از موانع عمده مشارکت زنان روستایی در شهرستان‌های فوق‌الذکر، اشتغال آنها به فعالیت‌های سخت منزل یا کشاورزی و دامداری می‌باشد و از این بابت اختلاف معناداری بین سه شهرستان وجود ندارد.

۲- یکی از موانع عمده مشارکت زنان روستایی در سه شهرستان مذکور، تعداد زیاد فرزندان خانواده می‌باشد. از این بابت، اختلاف معناداری بین سه شهرستان وجود ندارد.

۳- بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان روستایی شهرستان کهگیلویه در مقایسه با شهرستان بویراحمد و گچساران، مانع جدی‌تری برای مشارکت آنان در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی می‌باشد.

۴- زنان روستایی مشارکت‌کننده در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی در شهرستان کهگیلویه در مقایسه با زنان مشارکت‌کننده شهرستان بویراحمد و گچساران، بیشتر مورد تمسخر و ایراد اهالی روستاها قرار گرفته‌اند.

۵- سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی شهرستان کهگیلویه در مقایسه با زنان روستایی شهرستان گچساران، مانع جدی‌تری برای مشارکت آنان می‌باشد. از این بابت، اختلاف معناداری بین شهرستان‌های گچساران و بویراحمد وجود ندارد.

۶- مردان روستاهای شهرستان کهگیلویه در مقایسه با مردان روستاهای شهرستان گچساران و بویراحمد، ممانعت بیشتری برای زنان جهت شرکت در کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی ایجاد می‌کنند. از این بابت، اختلاف معناداری بین مردان روستاهای گچساران و بویراحمد وجود ندارد.

۷- نامنظم بودن و پراکندگی کلاس‌ها و برنامه‌های ترویجی و همچنین، اختصاص اغلب آنها به مردان در شهرستان‌های بویراحمد و گچساران، مانع جدی‌تری برای مشارکت زنان روستایی بوده است.

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که جدی‌ترین موانع مشارکت زنان روستایی، موانعی هستند که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد که می‌توان به اشتغال زنان به فعالیت‌های سخت، تعداد زیاد فرزندان خانواده، بی‌سوادی یا کم‌سوادی زنان، تمسخر و ایراد اهالی روستا نسبت به زنان مشارکت‌کننده و پایین بودن سطح دانش و بینش زنان روستایی اشاره کرد. بنا بر یافته‌های اخیر توصیه می‌شود که نهاد ترویج با همکاری دیگر نهاد‌های فرهنگی جهت ارتقای فرهنگ زنان روستایی استان و مرتفع ساختن موانع مشارکت آنان، تلاش بیشتری به عمل آورد. همچنین با توجه به تفاوت موانع مشارکت زنان روستایی در مناطق مختلف، توصیه می‌گردد که موانع مذکور به تفکیک و در مناطق مختلف کشور مورد پیمایش قرار گرفته و راهکارهای لازم برای مرتفع ساختن آنها اتخاذ گردد.

منابع

- ۱- اوکلی، پیترو کریستوفر گارفوت (۱۳۶۹). "راهنمای آموزش ترویج". ترجمه: محمدحسین عمادی، تهران: انتشارات وزارت جهاد کشاورزی. ص (۴۴-۵۶).
- ۲- امیری اردکانی، محمد و غلامحسین زمانی (۱۳۷۵). "مشارکت روستاییان در فرآیندهای برنامه ریزی و مدیریت پروژه به منظور شتاب توسعه روستایی"، اولین سمینار ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبیان، ۲۲ لغایت ۲۴ اردیبهشت ماه، دانشگاه تهران. ص (۵۹-۷۰).
- ۳- جینکیز، جانیس (۱۳۷۲ الف). خانوارهای روستایی چه هستند؟ در ده مقاله درباره ترویج کشاورزی، ترجمه ناصر اوکتایی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی. ص (۲۵-۳۲).
- ۴- جینکیز، جانیس (۱۳۷۲ ب). "زنان روستایی: نقش و عملکرد آنها" در ده مقاله درباره ترویج کشاورزی، ترجمه ناصر اوکتایی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد کشاورزی. ص (۴۱-۵۹).
- ۵- سازمان جهانی خواربار کشاورزی (۱۳۷۲). "نقش زنان در توسعه کشاورزی"، ترجمه: غلامحسین صالح نسب. مجله جهاد، شماره ۱۵۳، ص (۶۰-۷۱).
- ۶- شهبازی، اسماعیل (۱۳۷۲). "توسعه و ترویج روستایی". تهران: انتشارات دانشگاه تهران. ص (۶۹-۷۴).
- ۷- روزی طلب (۱۳۷۶). "تازه ترین آمار از میزان مشارکت زنان در اقتصاد روستایی"، روزنامه ایران، سال سوم، شماره ۷۹۵، ص (۱۳).
- ۸- گروه نویسندگان (۱۳۷۲). "آموزش بزرگسالان در کشورهای مختلف". ترجمه: هادی فرجامی. تهران، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی
- ۹- منفرد، نوذر (۱۳۷۴). "سازه های موثر بر پذیرش تکنولوژی در زراعت برنج تاثیر آن بر زنان شالیکار در استان های مازندران و فارس"، پایان نامه کارشناسی ارشد بخش ترویج کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.
- ۱۰- یونیسف (صندوق کودکان ملل متحد) (۱۳۷۱). "راهنمادهایی در راستای ترویج و آموزش دختران". ترجمه: محمد علی آتشبرک، تهران، مؤلف.
- ۱۱- دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری (۱۳۷۵). "سند چهارمین کنفرانس جهانی زن، کار پایه عمل و اعلامیه". مترجمان: علی آرین و میرسعید قاضی، تهران.

12- Norman, E. Tooker. (No date). "Universal principles of extension" University of Nebraska, Lincoln.